

# مصادیق و چشم‌انداز بحران‌های اقتصاد ایران

میلاد میر<sup>۱</sup>

## چکیده

بررسی وضعیت متغیرهای نرخ تورم، بیکاری، فقر و نابرابری درآمد، رشد تصاعدی بدھی‌های دولت در سال‌های اخیر و افزایش شدت مصرف انرژی، بیان کننده ناکارآمدی سیاست‌های اتخاذ شده برای مدیریت کشور در سال‌های گذشته است. عدم اتخاذ سیاست‌های مناسب برای بهبود وضعیت کنونی متغیرهای کلان اقتصادی و تداوم روند موجود، می‌تواند موجب فراهم شدن زمینه‌های وقوع بحران‌های اقتصادی در آینده‌ای نه‌چندان دور شود که با توجه به تأثیرپذیری بحران‌های سیاسی و اجتماعی از بحران‌های اقتصادی، خطری جدی برای امنیت ملی نیز به شمار می‌آید. در راستای جلوگیری از تشدید بحران‌های اقتصادی در کشور، ۱- منع به کارگیری مجدد بازنیستگان، ۲- ایجاد تطابق بین دانش و مهارت دانش‌آموختگان با دانش و مهارت مورد نیاز برای تصدی مشاغل، ۳- کاهش مخارج دولت، ۴- ایجاد فضای بائبات اقتصادی، ۵- کاهش تصدی‌گری دولت در اقتصاد، ۶- ارتقای فناوری تولید و کاهش انرژی بری محصولات تولیدی، ۷- ایجاد اشتغال مولد و مهارت‌آموزی برای مقابله با فقر و ۸- استفاده از ظرفیت‌های بازار سرمایه بهمنظور کنترل نقدینگی و رونق تولید پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی: بحران‌های اقتصادی، نقدینگی، تورم، اشتغال، ایران.

## مقدمه

طول زمان می‌تواند باعث نارضایتی مردم از حکومت و حتی به فروپاشی حکومت منجر شود. وضعیت نامناسب متغیرهای کلان اقتصادی مانند نرخ بیکاری، نقدینگی، نرخ تورم، فقر و نابرابری و بدھی‌های دولت در ماههای اخیر به‌نوعی بیان کننده وقوع بحران اقتصادی در کشور است و در صورت عدم اتخاذ سیاست‌های مناسب برای بهبود وضعیت کنونی، شاهد تشدید بحران‌های اقتصادی و حتی سیاسی در سال‌های آتی خواهیم بود. اتخاذ سیاست‌های اقتصادی برای پیشگیری از وقوع بحران‌ها مستلزم شناخت و آگاهی دقیق در خصوص عدم تعادل‌ها و بحران‌های موجود در کشور است.

رصد وضعیت متغیرهای اقتصادی در کشور نشان می‌دهد که زمینه شکل‌گیری و تعمیق بحران‌های اقتصادی در ماههای آتی در کشور به مرور مشاهده می‌شود. از سوی دیگر، نظریه‌های بحران بیان کننده آن است که بحران‌های اقتصادی می‌تواند به شکل‌های دیگری از بحران‌ها تبدیل شود. این موضوع بیان کننده آن است که بحران‌های اقتصادی از این ظرفیت برخوردارند که به راحتی تغییر ماهیت دهنند.

بسیاری از بحران‌های اقتصادی علاوه بر آنکه رابطه علت و معلولی دارند، بر متغیرهای اجتماعی و فرهنگی نیز تأثیرگذارند، به‌طوری که وقوع بحران‌های اقتصادی در

mir.molad91@gmail.com

ایران

۱- پژوهشگر گروه اقتصاد مقاومتی و برآورد اقتصادی، مرکز پژوهشی امنیت اقتصادی تدبیر، تهران، ایران



قرار دارد و زمینه‌های وقوع بحران اقتصادی در حال شکل‌گیری است. در ادامه، به منظور بررسی مصادیق بدخی از بحران‌های اقتصادی، وضعیت بدخی از مهم‌ترین متغیرهای کلان اقتصادی بررسی می‌شود.

#### - بحران نقدینگی و تورم

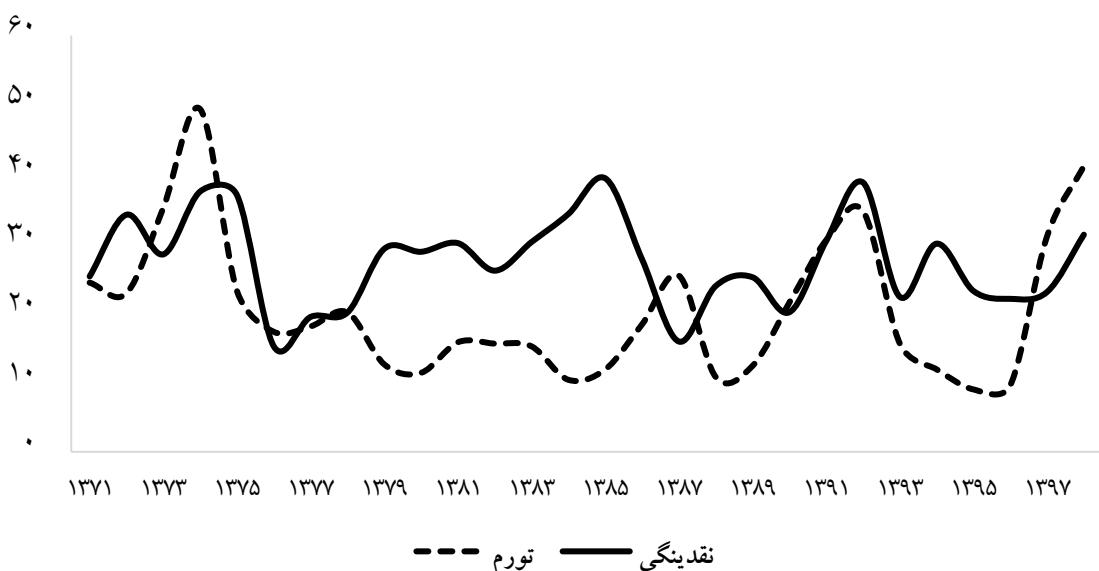
در حالی که معضل بیشتر کشورهای دنیا در مورد تورم تا حدود زیادی حل شده، اقتصاد ایران بیش از سه دهه است که از تورم رنج می‌برد. در سال‌های گذشته افزایش بی‌رویه نقدینگی یکی از عوامل اصلی ایجاد و استمرار تورم در اقتصاد کشور بوده است. نمودار شماره ۱، نرخ رشد نقدینگی و تورم را طی سال‌های اخیر نشان می‌دهد.

ازین‌رو، نظر به اهمیت موضوع بحران‌های اقتصادی و ضرورت اتخاذ سیاست‌های اقتصادی مناسب برای پیشگیری از وقوع بحران‌ها، در این گزارش، به بررسی بدخی از مهم‌ترین مصادیق و چشم‌انداز بحران‌های اقتصاد ایران می‌پردازیم. در بخش نخست گزارش مهم‌ترین مصادیق بحران‌های اقتصادی بررسی می‌شود. در بخش دوم، به ملاحظات امنیت اقتصادی و در بخش سوم، به نتیجه‌گیری و ارایه راهکارها می‌پردازیم.

#### ۱- مصادیق بدخی از مهم‌ترین بحران‌های کنونی کشور

بررسی وضعیت متغیرهای کلان اقتصادی نشان می‌دهد که اقتصاد کشور در وضعیت نامناسبی

نمودار ۱- نرخ رشد نقدینگی و تورم (برحسب درصد)



مأخذ: ویگاه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

تورم دورقمی را تجربه کرده است. البته، رشد نقدینگی تنها عامل نرخ تورم بالا در سال‌های گذشته

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، به جز دوره‌ای کوتاه‌مدت، طی سه دهه اخیر اقتصاد ایران همواره



نقدینگی در پایان سال ۱۳۹۹ حدود ۳۱۰۰ هزار میلیارد تومان خواهد بود و در صورتی که روند رشد نقدینگی در سال آینده نیز ادامه داشته باشد، برای سال ۱۴۰۰ رقم نقدینگی حدود ۳۹۰۰ هزار میلیارد تومان پیش بینی می شود.

با توجه به بیش برآورد درآمدهای دولت در بودجه سال ۱۴۰۰، به احتمال زیاد دولت در سال آینده با کسری بودجه مواجه خواهد شد. از این رو، به احتمال زیاد دولت به منظور پوشش بخشی از کسری بودجه خود از بانک مرکزی استقراض خواهد کرد که این موضوع نیز در میزان افزایش نقدینگی و نرخ تورم در سال آینده تأثیرگذار است.

تدابع روند کنونی در خصوص تمایل فعالان اقتصادی به سرمایه‌گذاری در بازارهای رقیب تولید به جای سرمایه‌گذاری در تولید، بالا بودن ریسک و ناطمنانی در فعالیت‌های تولیدی، فضای نامناسب کسب و کار و رشد بدھی‌های دولت به نظام بانکی ناشی از کسری بودجه مستمر، بحران نقدینگی و تورم را تعمیق می‌بخشد، از این رو، کنترل رشد بی‌رویه نقدینگی و تورم بدون برطرف کردن موانع و مشکلات یادشده امکان‌پذیر نیست.

#### - بحران بیکاری

بهبود وضعیت اشتغال و کاهش نرخ بیکاری یکی از مسایل اساسی در مسیر دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی است؛ علاوه بر این، نرخ بیکاری یکی از رایج‌ترین شاخص‌های ارزیابی عملکرد اقتصاد کشورهاست. بررسی وضعیت نرخ بیکاری در سال‌های گذشته بیان‌کننده ناکارآمدی سیاست‌های

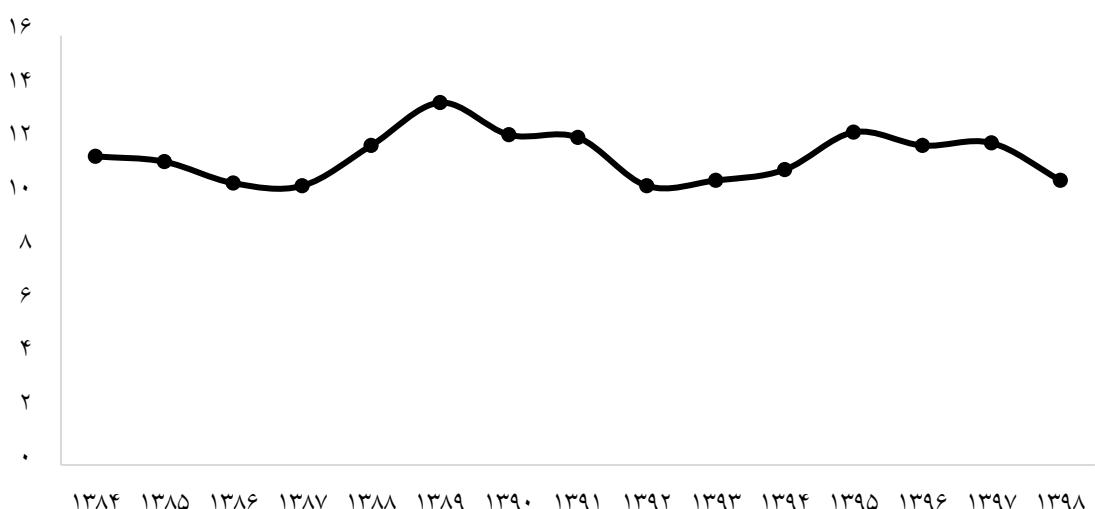
نبوده است، بلکه عواملی از جمله: تحریم‌های اقتصادی، جهش‌های ارزی و پایین بودن نرخ رشد اقتصادی از جمله عوامل مؤثر بر نرخ تورم بوده‌اند. در خصوص افزایش نقدینگی و تأثیر آن بر نرخ تورم باید به دو نکته توجه کرد؛ ۱- به طور معمول در ادبیات اقتصادی آنچه به عنوان عامل اصلی تورم در بلندمدت از آن یاد می‌شود، رشد نقدینگی مازاد بر رشد تولید است در صورتی که نقدینگی خلق شده به سمت فعالیت‌های تولیدی هدایت شود و رشد آن متناسب با رشد اقتصادی باشد، می‌تواند حتی آثار تورمی به همراه نداشته باشد. ۲- منشأ و دلیل رشد نقدینگی و سیاست‌های پولی همراه با آن می‌تواند به طور قابل توجهی اثرگذاری متغیرهای پولی بر سطح عمومی قیمت‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. در سال‌های اخیر تولید متناسب با نقدینگی رشد نکرده است، در واقع، ناطمنانی و فضای ملتهب اقتصادی، ریسک بالای سرمایه‌گذاری در بخش تولید و فضای نامناسب کسب و کار موجب شده است نقدینگی به جای تولید به سمت سوداگری و بازارهای طلا، ارز و مسکن هدایت شود که یکی از نتایج آن تورم در اقتصاد بوده است. از سوی دیگر، بررسی اجزای نقدینگی در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که افزایش بدھی دولت به نظام بانکی که به طور عمدی از کسری بودجه جاری دولت ناشی می‌شود، یکی از دلایل اصلی افزایش بی‌رویه نقدینگی بوده است. نقدینگی در پایان سال ۱۳۹۸ حدود ۲۴۷۲ هزار میلیارد تومان بوده است؛ اگر نرخ رشد سالانه نقدینگی را به طور متوسط ۲۵ درصد در نظر بگیریم،



بوده ایم، همواره نرخ بیکاری بیشتر از ۱۰ درصد بوده است. عوامل مختلفی در شکل گیری وضعیت کنونی اشتغال مؤثر بوده اند، اما شاید بتوان تنگناهای پیش روی بخش تولید و نظام آموزشی غیره دفمند را اصلی ترین دلایل ایجاد شرایط کنونی دانست.

اقتصادی برای بهبود وضعیت اشتغال در کشور است. نمودار شماره ۲، نرخ بیکاری کشور را برای سال های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۸ نشان می دهد. ملاحظه می شود که طی این سال ها، نرخ بیکاری روند نوسانی داشته است و با وجود آنکه در برخی سال ها شاهد کاهش آن

نمودار ۲- نرخ بیکاری کل (درصد)



مأخذ: ویگاه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

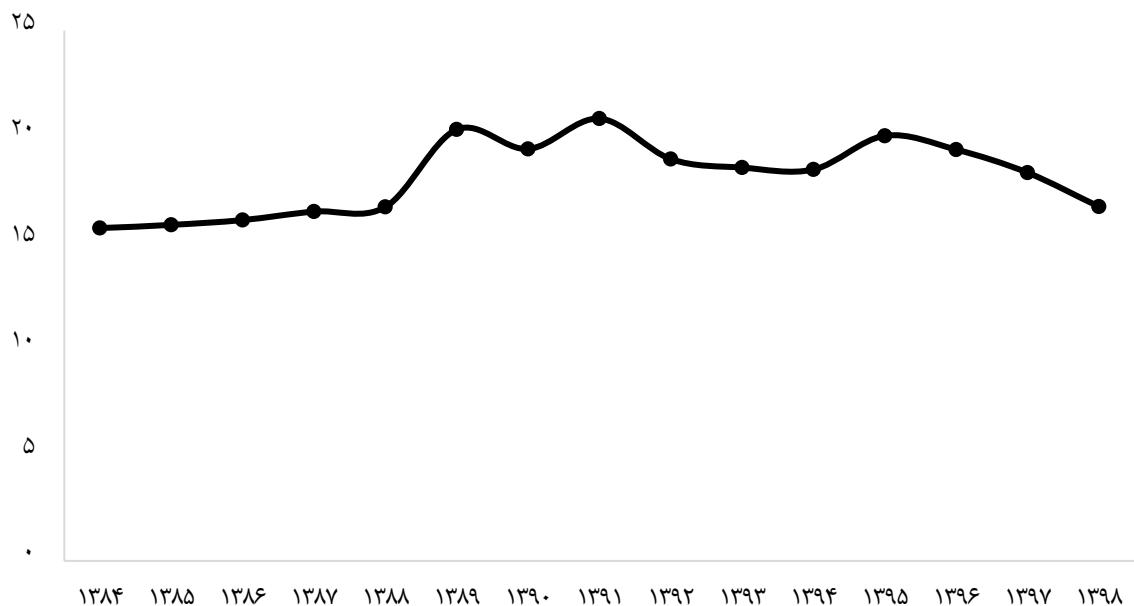
دانشگاهی را طی سال های ۱۳۸۴-۱۳۹۸ نشان می دهد. در یک دهه گذشته نرخ بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی همواره دور قمی بوده و روند افزایشی داشته است.

منشأ و دلیل رشد نقدینگی و سیاست های پولی همراه با آن می تواند به طور قابل توجهی اثر گذاری متفاوت های پولی بر سطح عمومی قیمت ها را تحت تأثیر قرار دهد.

در سال های گذشته تنگناهای پیش روی بخش تولید از جمله: کمبود نقدینگی و موانع پیش روی بنگاه های اقتصادی در دسترسی به تسهیلات، وجود تحریم های اقتصادی بین المللی و محدودیت در دسترسی به مواد اولیه، و نوسانات نرخ ارز، باعث کاهش سرمایه گذاری و تولید شده که این اتفاق ها، بدتر شدن وضعیت بیکاری را به دنبال داشته است. از سوی دیگر، وجود نظام آموزشی غیره دفمند، به عنوان یکی از بحران های موجود در جامعه، دلیل دیگری برای ایجاد شرایط کنونی بازار کار بوده است. نمودار شماره ۳، نرخ بیکاری دانش آموختگان



### نمودار ۳- نرخ بیکاری دانشآموختگان دانشگاهی (درصد)



مأخذ: وبگاه مرکز آمار جمهوری اسلامی ایران.

رشد چشمگیر مقاضیان ورود به دانشگاهها، کاهش کیفیت تحقیق و آموزش و مسئله ناهمخوانی تحصص فارغ‌التحصیلان و نیازهای بازار کار، باعث ایجاد بحران بیکاری تحصیل کرده‌ها در جامعه شده است. ناکارآمدی نظام آموزشی و نقش قابل توجه آن در بیکاری فارغ‌التحصیلان غیرقابل انکار است، اما در خصوص بالا بودن نرخ بیکاری بین دانشآموختگان دانشگاهی باید توجه کرد که این م屁股 تنها به عملکرد ضعیف نظام آموزشی برنمی‌گردد، بلکه نابسامانی فضای کسب‌وکار در کشور و وضعیت نامناسب شاخص‌های اقتصادی نیز مزید بر علت شده است تا معطل بیکاری در بین فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، بیش از دیگر اشاره جامعه بروز کند.

واضح است که نظام آموزش عالی کشور در یک بحران بهسز می‌برد و چشم‌انداز چندان روشنی برای آینده دانشجویان امروزی که به صورت انبوه وارد دانشگاهها و مؤسسه‌های آموزش عالی شده‌اند، وجود ندارد. به نظر

نرخ بیکاری دانشآموختگان دانشگاهی طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۹۸ از ۱۵/۶۹ درصد به ۱۹/۳۹ درصد افزایش یافته است. عدم تناسب بین تعداد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و ظرفیت‌های شغلی ایجاد شده، جذب افسارگسیخته دانشجویان بدون نیازمندی و فقدان مهارت کافی دانشآموختگان دانشگاهی، از مهم‌ترین دلایل ایجاد وضعیت کنونی بوده‌اند.

با وجود آنکه مهارت آموزی و مهارت افزایی از مؤلفه‌های تعیین‌کننده توسعه فرصت‌های شغلی است، در دهه‌های گذشته چندان مورد توجه قرار نگرفته است. مصدق این ادعا را می‌توان در خیل عظیم فارغ‌التحصیلان دانشگاهی مشاهده کرد که با وجود کسب مدرک دانشگاهی، از حیث علمی، فاقد توان و تجربه کافی هستند و بهطور عمده در طول دوره‌های تحصیلی، مجموعه‌ای از مباحث تئوریک را به خاطر می‌سپارند که بعد از مدتی به فراموشی سپرده می‌شوند.



است؛ ازین‌رو، ضروری است سیاست‌گذار با به دست آوردن اطلاعات کافی در خصوص آن در جهت اتخاذ تصمیمات مناسب گام بردارد.

تحولات اقتصادی کشور در سال‌های اخیر به‌وضوح گویای فقر و بدتر شدن معیشت خانوارهاست. مقایسه درآمد سرانه حقیقی در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۸ بیان‌کننده آن است که طی این سال‌ها، درآمد سرانه کاهش چشمگیری را تجربه کرده، به‌طوری که درآمد سرانه سال ۱۳۹۸ نسبت به درآمد سرانه سال ۱۳۹۰، کاهش ۳۵/۷ درصدی داشته است؛ به عبارت دیگر، قدرت خرید هر فرد در سال ۱۳۹۸ نسبت به سال ۱۳۹۰ حدود یک‌سوم کاهش یافته است. در واقع، با وجود افزایش درآمد اسمی خانوارها طی این سال‌ها، افزایش شدید قیمت‌ها موجب کاهش درآمد حقیقی و قدرت خرید مردم شده است. براساس یافته‌های مرکز پژوهش‌های مجلس، در صورت تحقق رشد اقتصادی ۸ درصدی از سال ۱۳۹۹ به بعد، ۶ سال زمان لازم است تا به سطح درآمد سرانه سال ۱۳۹۰ برسیم.

در حال حاضر اطلاعات مستندی در خصوص جمعیت زیر خط فقر در کشور وجود ندارد، اما در سال ۱۳۹۶ جمعیت زیر خط فقر کشور از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس ۱۶ درصد جمعیت کل کشور اعلام شد و در آن زمان با توجه به پیش‌بینی از وضعیت متغیرهای اقتصادی مانند نرخ رشد اقتصادی

می‌رسد در سال‌های اخیر سعی شده است بحران بیکاری از طریق دانشگاه‌ها کنترل شود، به این صورت که تعداد زیادی از جوانان را به خود جذب کرده، چندین سال آنها را از بازار کار دور نگهداشته و سپس، بدون در نظر گرفتن تقاضای بازار کار، به‌طور عدمه نیروی کار بدون تخصص و مهارت به جامعه عرضه شده است. در واقع، به نظر می‌رسد به جای آنکه حل معضل بیکاری افراد تحصیل‌کرده مدنظر قرار گیرد، توجه بیشتر به کنترل و کاهش نرخ بیکاری کل از طریق افزایش پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها معطوف شده است. انتظار می‌رود با تداوم شرایط کنونی و عدم تغییر و تحول نظام آموزشی کشور بحران بیکاری، به‌ویژه بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی در سال‌های آتی عمیق شود.

در شرایط کنونی بسیاری از کسب‌وکارها در رکود به‌سر می‌برند و با مشکلات مالی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، این موضوع باعث می‌شود حتی اگر در سال آینده رشد اقتصادی مثبت و منابع مالی به بنگاه‌های تولیدی تزریق شود، بسیاری از بنگاه‌ها تا مدتی برای گسترش ظرفیت تولید توان مالی نداشته باشند و ترجیح دهنده از همان نیروی کار گذشته استفاده کنند. به همین دلیل، حتی در صورت مثبت بودن رشد اقتصادی در سال آینده، ایجاد فرصت‌های شغلی با محدودیت‌هایی مواجه است.

### - بحران فقر و نابرابری درآمد

فقر و نابرابری درآمد از جمله موضوع‌های اقتصادی است که نه تنها از لحاظ ابعاد اقتصادی، بلکه از نظر اجتماعی و سیاسی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار

۱- درآمد ملی سرانه در سال ۱۳۹۰، براساس قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰، حدود ۷/۳۸ میلیون تومان بوده که این میزان در سال ۱۳۹۸ به ۴/۷۴ میلیون تومان کاهش یافته است.

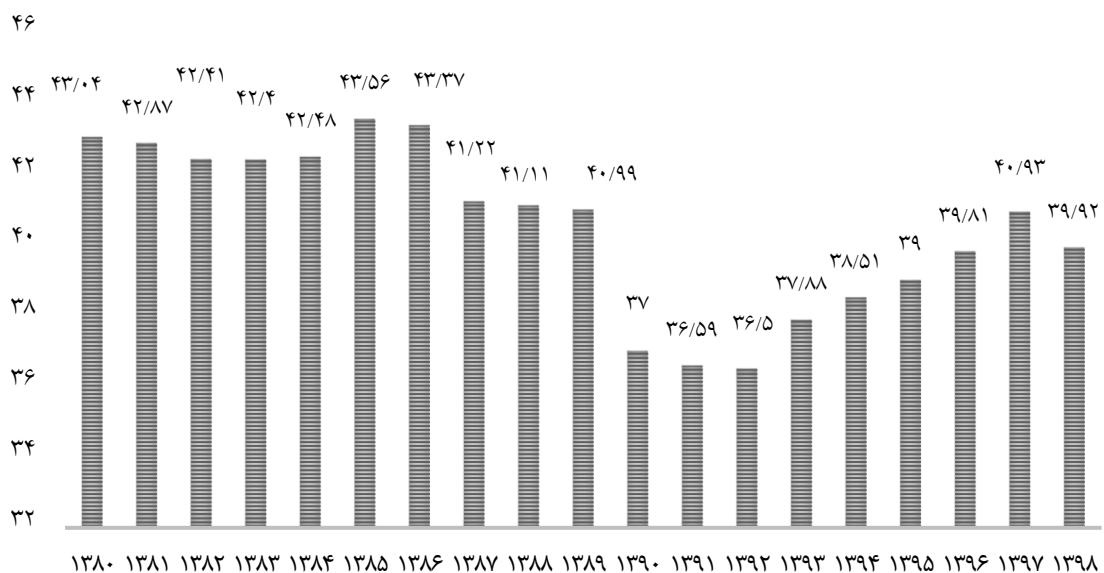


می‌دهد که بعد از سال ۱۳۹۲ که ضریب جینی کمترین مقدار خود را داشته، تا سال ۱۳۹۷ ضریب جینی افزایش یافته و وضعیت توزیع درآمد بدتر شده، اما میزان شاخص ضریب جینی در سال ۱۳۹۸ بیان‌کننده بهبود نابرابری درآمد نسبت به سال ۱۳۹۷ بوده است. از دلایل عمدۀ گسترش فاصله طبقاتی و فقر در سال‌های اخیر می‌توان به تورم، رکود و بیکاری، رشد جمعیت و کاهش درآمد حقیقی حقوق‌بگیران ثابت اشاره کرد. افزایش نابرابری و فقر به‌واسطه آثار اقتصادی، می‌تواند تبعات اجتماعی و امنیتی نیز داشته باشد. افزایش مشاغل کاذب، جرم و بزهکاری، تأثیر منفی بر سطح سلامت عمومی، کاهش انگیزه تحصیل در بین خانوارهای کم‌درآمد و کاهش اعتماد به حکومت و از دست رفتن حمایت مردم، برخی از تبعات گسترش شکاف طبقاتی و فقر در جامعه هستند.

و نرخ تورم، جمعیت زیر خط فقر برای سال ۱۳۹۷، با تعریف سناریوهای مختلف، بین ۲۳ تا ۴۰ درصد جمعیت کشور برآورد شد، اما آنچه موضوع فقر را نگران‌کننده‌تر می‌کند، آن است که افراد گرفتار فقر نتوانند بعد از بازه زمانی مشخصی از فقر خارج شوند. این موضوع موجب ایجاد فقر پایدار می‌شود و بخشی از جامعه برای مدتی طولانی فقیر خواهند بود که این مسئله علاوه بر آثار اقتصادی می‌تواند تبعات اجتماعی و سیاسی نیز داشته باشد. با توجه به افزایش شدید هزینه‌هایی مانند اجاره مسکن، قیمت مواد خوراکی و آشامیدنی و با توجه به سهم بالای این اقلام در سبد مصرف خانوارهای دهکهای پایین، علاوه بر بدتر شدن وضعیت معیشتی این خانوارها، می‌توان ایجاد فقر پایدار را انتظار داشت.

همچنین بررسی شاخص ضریب جینی به عنوان یکی از مرسوم‌ترین شاخص‌های توزیع درآمد، نشان

نمودار ۴- ضریب جینی (درصد)



مأخذ: وبگاه مرکز آمار ایران.

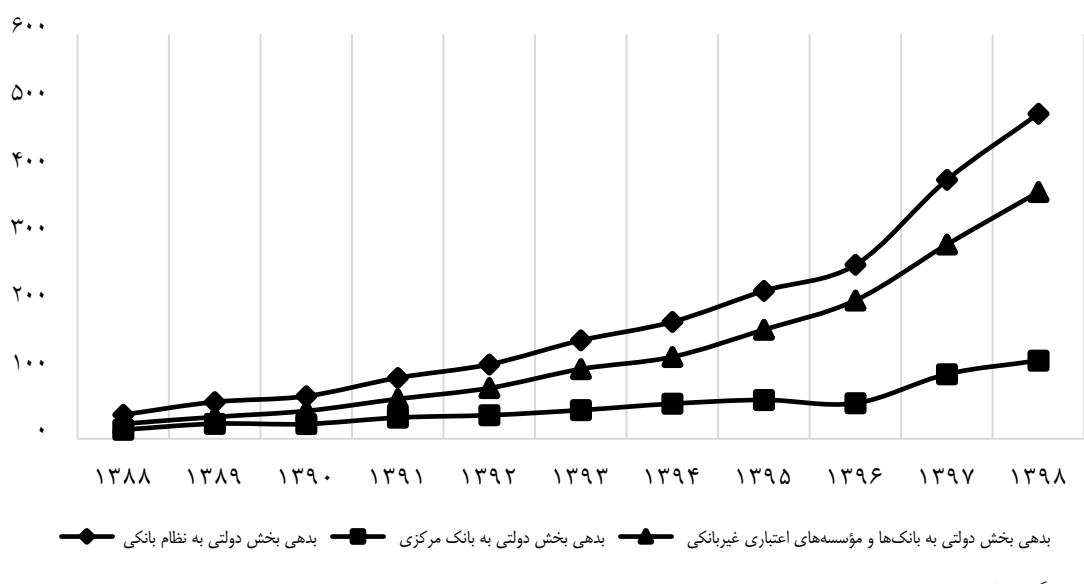


بخش دولتی هستند که تا پایان سال ۱۳۹۸ میزان بدھی دولت به نظام بانکی و سازمان تأمین اجتماعی حدود ۷۵۲ هزار میلیارد تومان برآورد شده است. برخلاف بدھی های دولت به سازمان تأمین اجتماعی، میزان بدھی های دولت به نظام بانکی در دسترس است. نمودار شماره ۵، بدھی بخش دولتی را به نظام بانکی که شامل مجموع بدھی های بخش دولتی به بانک مرکزی و بانک های تجاری است، نشان می دهد.

### - بحران بدھی های دولت

در سال های اخیر، رشد چشمگیر بدھی های دولت، به ویژه بدھی های دولت به نظام بانکی باعث ایجاد نگرانی در خصوص بحران بدھی های دولت شده است. با وجود آنکه آمار و اطلاعات مستندی مبنی بر میزان بدھی های دولت وجود ندارد، اما براساس اطلاعات اعلام شده توسط برخی دولتمردان، نظام بانکی و سازمان تأمین اجتماعی بزرگترین طلبکاران

نمودار ۵- بدھی بخش دولتی به بانک مرکزی، بانک های تجاری و نظام بانکی (هزار میلیارد تومان)



مأخذ: وبگاه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

رکود اقتصادی منجر شود. به دنبال شکل گیری دور باطل بدھی های بخش دولتی، بخش عمده ای از تسهیلات بانکی به دولت اختصاص می یابد که نتیجه این موضوع کاهش منابع مالی موجود برای اعطای تسهیلات به سایر بخش ها خواهد بود و سایر بخش ها به رغم بالا بودن حجم نقدینگی موجود در سطح جامعه، با مشکلات تأمین مالی مواجه خواهند شد. براساس این، در سال های اخیر، افزایش تصاعدی

ملحوظه می شود که طی یک دهه گذشته میزان بدھی بخش دولتی به نظام بانکی به صورت چشمگیری افزایش یافته است و بخش عمده آن به استقراض بخش دولتی از بانک های تجاری مربوط می شود. بدون تردید ادامه روند کنونی باعث تعميق بحران بدھی های دولت خواهد شد که به تبع آثار منفی آن بر اقتصاد بیشتر می شود.

افزایش بدھی های دولت می تواند به شکل گیری دور باطل تداوم بدھی های دولت و در نهایت، به



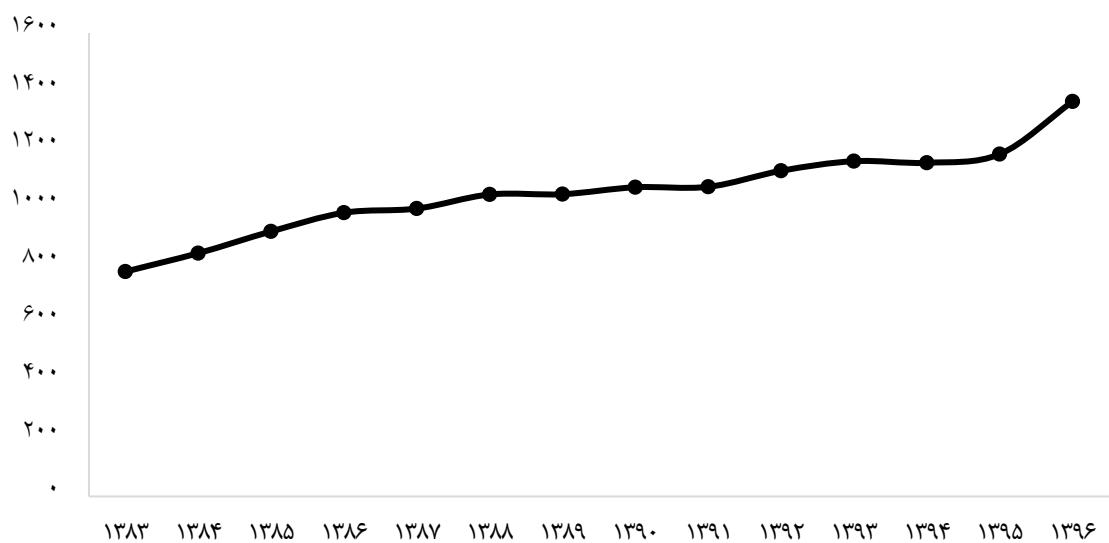
کسری بودجه در سال ۱۴۰۰ بسیار محتمل خواهد بود که در نتیجه این اتفاق، انتظار می‌رود در سال آینده همچنان شاهد افزایش بدھی‌های دولت باشیم.

#### - بحران مصرف انرژی

طی دو دهه اخیر مصرف انرژی در ایران روند رو به رشدی داشته، این در حالی است که محدود بودن سوخت‌های فسیلی، توجه به مسایلی مانند امنیت انرژی و آلاینده‌های زیست‌محیطی ناشی از مصرف سوخت‌های فسیلی، ضرورت کاهش میزان مصرف سوخت‌های فسیلی و کاهش سهم آنها را در سبد مصرف انرژی نشان می‌دهد. روند مصرف انرژی کشور طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۶، در نمودار شماره ۶، آمده است.

بدھی‌های دولت به نظام بانکی باعث شده است به رغم بالا بودن نرخ رشد نقدینگی و همچنین افزایشی بودن نسبت نقدینگی به تولید ناخالص دخلی، بخش‌های مولد اقتصادی با مشکلات مالی روبرو شوند و این موضوع یکی از دلایل تشدييدکننده رکود اقتصادی سال‌های اخیر بوده است. آنچه نگرانی‌ها در خصوص بدھی‌های دولت را افزایش می‌دهد، منشأ بدھی‌های دولت است. بدھی‌های دولت به طور عمده ناشی از کسری بودجه سالانه و به طور مشخص کسری بودجه جاری هستند. بسیاری از کارشناسان اقتصادی اعتقاد دارند که درآمدهای دولت در سال ۱۴۰۰ از محل درآمدهای نفتی با بیش برآورد مواجه است و ازین‌رو، داشتن

نمودار ۶- مصرف نهایی انرژی کل کشور (میلیون بشکه معادل نفت خام)



مأخذ: ترازنامه انرژی برای سال‌های مختلف.

ایران به تفکیک حامل‌های انرژی با مقیاس جهانی نشان می‌دهد که سرانه مصرف نهایی گاز طبیعی ۶/۶ و سرانه مصرف نهایی نفت و فراورده‌های نفتی ۱/۴

براساس آمار ترازنامه انرژی ایران در سال ۱۳۹۶، سرانه مصرف نهایی انرژی در ایران ۱/۸ برابر متوسط جهانی بوده است. مقایسه سرانه مصرف نهایی انرژی



به طور معمول از شاخص شدت مصرف انرژی استفاده می شود. جدول شماره ۱، میزان شدت مصرف انرژی بر حسب کیلوگرم معادل نفت خام به ازای ایجاد یک دلار تولید ناخالص داخلی به قیمت های ثابت ۲۰۱۵، برای منتخبی از کشورهای دارای بالاترین و کمترین میزان شدت مصرف انرژی را در سال ۲۰۱۹ نشان می دهد. همان طور که مشاهده می شود، بیشترین مقدار این شاخص متعلق به اوکراین و کمترین مقدار آن متعلق به کلمبیا است. ایران با شدت مصرف انرژی معادل ۰/۱۷۹ در رتبه ششم بین کشورهای با شدت مصرف انرژی بالا قرار دارد. میزان شدت مصرف انرژی در ایران حدود ۰/۲۷ برابر متوسط شاخص یادشده برای ۱۰ کشور با کمترین شدت مصرف انرژی است.

برابر متوسط جهانی است. این موضوع از بهره وری پایین، مصرف بالای انرژی و همچنین استفاده از کالاها و خدمات انرژی بر ناشی می شود. از سوی دیگر، مصرف سرانه برق، زغال سنگ و انرژی های تجدیدپذیر از متوسط جهانی کمتر است. سرانه مصرف نهایی انرژی در بخش خانگی، تجاری و عمومی دو برابر متوسط جهانی است. همچنین سرانه مصرف در بخش های کشاورزی، خانگی، تجاری و عمومی، حمل و نقل و صنعت به ترتیب ۳/۳، ۲/۲، ۱/۵ و ۱/۵ برابر متوسط جهانی است.

با بررسی میزان مصرف انرژی به صورت مطلق، نمی توان در خصوص بهینه بودن یا نبودن مصرف انرژی اظهار نظر کرد. از این رو، به منظور بررسی وضعیت مصرف انرژی و مقایسه با دیگر کشورها

#### جدول ۱- شدت مصرف انرژی بر حسب کیلوگرم معادل نفت خام برای ایجاد یک دلار تولید ناخالص داخلی به

قیمت های ثابت ۲۰۱۵

۱۰ کشور با بیشترین شدت مصرف انرژی		۱۰ کشور با کمترین شدت مصرف انرژی	
کشور	شدت مصرف انرژی	کشور	شدت مصرف انرژی
اوکراین	۰/۲۳۲	کلمبیا	۰/۰۵۵
روسیه	۰/۲۱۰	انگلستان	۰/۰۵۹
ونزوئلا	۰/۲۰۵	ترکیه	۰/۰۶۳
تایوان	۰/۱۸۹	ایتالیا	۰/۰۶۴
آفریقای جنوبی	۰/۱۸۰	رومانی	۰/۰۶۵
ایران	۰/۱۷۹	پرتغال	۰/۰۶۵
قزاقستان	۰/۱۷۶	اسپانیا	۰/۰۶۹
کانادا	۰/۱۷۱	آلمان	۰/۰۷۱
ازبکستان	۰/۱۵۲	مکزیک	۰/۰۷۴
نیجریه	۰/۱۴۸	هلند	۰/۰۷۶

مأخذ: Enerdata

به طور نگران کننده ای بالاست و سیاست های صرفه جویی در مصرف انرژی در ایران در سال های

بررسی روند مصرف انرژی و وضعیت شاخص شدت انرژی حاکی از آن است که میزان مصرف



با توجه به آنکه وقوع بحران‌های اقتصادی استفاده کارآمد از منابع و فرآیند رشد و توسعه باثبات را به خطر می‌اندازد، تهدیدکننده امنیت اقتصادی کشور است. در زمان وقوع بحران‌های اقتصادی، بازده فعالیت‌های مولد کاهش و در مقابل، بازده فعالیت‌های غیرمولد افزایش می‌یابد که در نتیجه آن منابع به سمت بخش غیرمولد سوق داده می‌شوند و این موضوع در نهایت، استفاده ناکارآمد از منابع و تضعیف بخش تولید را به همراه دارد.

موارد یادشده به عنوان مصادیقی از بحران‌های اقتصادی در کشور هستند که نمی‌توانند به صورت کاملاً منفک از یکدیگر در نظر گرفته شوند و علاوه بر تأثیرگذاری بر مؤلفه‌های اجتماعی، سیاسی و مدیریتی، از موارد مزبور نیز تأثیر می‌پذیرند.

در واقع، همان‌طور که بحران‌های اقتصادی تحت تأثیر متغیرهای سیاسی و اجتماعی قرار دارند، بحران‌های اقتصادی می‌توانند باعث ایجاد بحران‌های اجتماعی و سیاسی شوند؛ وقوع بحران‌های اقتصادی به واسطه اثرات منفی که بر اقتصاد کشور دارند، ممکن است به تنش‌های سیاسی – اجتماعی نیز منجر شوند. از سوی دیگر، باید توجه کرد که بقای حکومت و نظام سیاسی در هر کشوری تحت تأثیر رضایت عموم مردم از آن حکومت و حل مشکلات اقتصادی مردم است. از این‌رو، تداوم شرایط کنونی اقتصادی کشور و فقدان چاره‌اندیشی برای حل بحران‌های موجود، می‌تواند موجب تعمیق بحران‌های اقتصادی در آینده شود که نه تنها برای امنیت اقتصادی خطری جدی به شمار می‌آید، بلکه می‌تواند زمینه‌ساز بحران‌های

اخیر تأثیر قابل توجهی بر مصرف انرژی نداشته است. ادامه روند کنونی در مصرف سوخت‌های فسیلی، علاوه بر هزینه‌های اقتصادی که به همراه دارد، به دلیل انتشار آلاینده‌های زیست‌محیطی، در آینده‌ای نزدیک، بحران‌های زیست‌محیطی نیز به همراه خواهد داشت.

---

عوامل مختلفی در شکل‌گیری وضعیت کنونی اشتغال مؤثر بوده‌اند، اما شاید بتوان تنگناهای پیش روی بخش تولید و نظام آموزشی غیرهدفمند را اصلی‌ترین دلایل ایجاد شرایط کنونی دانست.

---

## ۲- ملاحظات امنیت اقتصادی

در حال حاضر کشور با بحران‌های مختلفی مواجه بوده که باعث ایجاد ناامیدی در جامعه شده و چشم‌انداز نسبتاً تاریکی برای کشور ایجاد کرده است. وضعیت بیکاری (به‌ویژه بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی)، روند متغیرهای تورم، نقدینگی و رشد بدھی‌های دولت در سال‌های گذشته، روند افزایشی مصرف انرژی و قرار گرفتن جزء ۱۰ کشور با بیشترین شدت مصرف انرژی، کاهش قدرت خرید و تشدید فقر و نابرابری در جامعه، از جمله مواردی است که باعث ایجاد ناامیدی و نگرانی در بین مردم و برخی سیاستمداران شده است.



جمعیت جوان و تحصیل کرده منجر می‌شود، به کارگیری مجدد بازنیستگان بعد از اتمام دوره خدمت آنهاست. در صورتی که از این اقدام ممانعت به عمل آید، بخشی از نیروی کار تحصیل کرده می‌تواند مشغول به کار شود و از این طریق جمعیت بیکار تحصیل کرده کاهش یابد.

- ایجاد تطابق بین دانش و مهارت دانش آموختگان با دانش و مهارت مورد نیاز برای تصدی مشاغل: یکی از دلایل بیکاری گسترده فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، عدم تناسب رشته‌های دانشگاهی با نیاز بازار کار و نداشتن مهارت کافی نیروی کار برای تصدی مشاغل مختلف است. این موارد به نوعی نشان‌دهنده ناهماهنگی نظام آموزش عالی کشور با بازار کار است. از این‌رو، بهمنظور رفع این مشکل پیشنهاد می‌شود به جای توسعه آموزش عالی با کیفیت پایین و بدون توجه به نیازها و ظرفیت‌های بازار کار، ظرفیت جذب دانشجویان کاهش یابد و بر افزایش توانمندی و کارآیی نیروی تحصیل کرده و مهارت آموزی آن، تمرکز شود.

- کاهش مخارج دولت: از دلایل اصلی انباست بدھی‌های دولت، افزایش تصاعدي مخارج دولت طی سال‌های اخیر (که به طور عمده نشأت گرفته از افزایش هزینه‌های جاری است) و داشتن کسری بودجه مزمن بوده است؛ از این‌رو، صرفه‌جویی در هزینه‌های دولت می‌تواند از طریق کاهش کسری بودجه، بخشی از معضل افزایش بدھی‌های دولت را برطرف کند. بدیهی است که بخش عمدات از هزینه‌های جاری دولت به حقوق و دستمزد کارکنان

اجتماعی و سیاسی و تهدیدی جدی برای بقای نظام باشد.

مقایسه درآمد سرانه حقیقی در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۸ بیان کننده آن است که طی این سال‌ها، درآمد سرانه کاهش چشمگیری را تجربه کرده، به طوری که درآمد سرانه سال ۱۳۹۸ نسبت به درآمد سرانه سال ۱۳۹۰، کاهش  $\frac{۳۵}{۷}$  درصدی داشته است.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

وضعیت کنونی متغیرهای نقدینگی و تورم، نرخ بیکاری، فقر، بدھی‌های دولت و مصرف انرژی، علاوه بر آنکه بیان کننده ناکارآمدی سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در سال‌های گذشته است، نشان‌دهنده وجود بحران‌های اقتصادی در کشور است. در صورت فقدان چاره‌اندیشی و تداوم روند کنونی، ممکن است در آینده‌ای نزدیک شاهد تعمیق بحران‌های موجود و ایجاد بحران‌های دیگر در کشور باشیم که این موضوع، با توجه به تأثیر پذیری بحران‌های سیاسی و اجتماعی از بحران‌های اقتصادی، می‌تواند تهدیدی جدی برای امنیت اقتصادی و همچنین امنیت ملی باشد. راهکارهای زیر به منظور بهبود شرایط جاری و پیشگیری از تعمیق بحران‌های موجود ارایه می‌شوند:

- منع به کارگیری مجدد بازنیستگان: یکی از معضلات بازار کار که به بیکار بودن بخشی از



نرخ سود پایین و معافیت‌های مالیاتی مقطوعی، برای ترغیب فعالان بخش خصوصی به منظور سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی استفاده کند. همچنین نظارت بیشتر بر بخش غیرمولد برای جلوگیری از گسترش بی‌رویه این بخش می‌تواند مؤثر باشد.

- ارتقای فناوری تولید و کاهش انرژی‌بری در محصولات تولیدی: روند صعودی مصرف انرژی و بالا بودن شدت مصرف انرژی بیان‌کننده مصرف غیربهینه انرژی در کشور است. بهینه‌سازی مصرف انرژی باید از دو بُعد مصرف انرژی توسط خانوارها و مصرف انرژی در فرآیند تولید دنبال شود. در این خصوص تجربه افزایش قیمت انرژی در سال ۱۳۸۹ نشان داد که بدون فراهم بودن زیرساخت‌ها، سیاست قیمتی نمی‌تواند موجب اصلاح مصرف انرژی شود. باید توجه کرد که یکی از دلایل اصلی بالا بودن مصرف انرژی در بخش تولید، بهروز نبودن فناوری تولید است که برای رفع این مشکل راهکارهایی مانند اعطای تسهیلات به بخش‌های تولیدی برای خرید ماشین‌آلات جدید و بهروزرسانی فناوری می‌تواند مؤثر باشد. همچنین کنترل محصولات تولیدی برای رعایت استانداردهای جهانی، ارتقای کیفیت و کاهش انرژی‌بری آنها می‌تواند در کاهش مصرف انرژی توسط خانوارها که بخش عمداتی از مصرف کل انرژی کشور را دربر می‌گیرد، مؤثر باشد.

- ایجاد اشتغال مولد و مهارت‌آموزی برای مقابله با فقر: یکی از مهم‌ترین دلایل فقر، نداشتن شغل یا درآمد کافی است؛ از این‌رو، مهم‌ترین راهکار مقابله با

شرکت‌های دولتی مربوط می‌شود و قابلیت کاهش چندانی ندارد، اما کاهش برخی هزینه‌ها مانند مزایا و پاداش‌هایی که به کارکنان شرکت‌های دولتی پرداخت می‌شود و حذف یارانه پرداختی به دهک‌های درآمدی بالا می‌تواند در کاهش کسری بودجه و به‌تبع، افزایش نیافتان بدھی‌های دولت مؤثر باشد.

- کاهش حجم تصدی‌گری دولت در اقتصاد: به رغم تأکید سیاست‌های کلی اصل ۴۴ مبنی بر ضرورت کوچک شدن دولت، در سال‌های اخیر نه تنها شاهد این موضوع نبوده‌ایم، بلکه هزینه‌های دولت افزایش چشمگیری داشته است. بدون تردید تداوم روند کنونی، زمینه افزایش بدھی‌های دولت را تقویت خواهد کرد. اجرای سریع تر سیاست‌های اصل ۴۴ می‌تواند از طریق واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی واقعی، کاهش حجم تصدی‌گری دولت در اقتصاد و در نتیجه، کاهش هزینه‌های بخش دولتی را به همراه داشته باشد. این اقدام می‌تواند مانع افزایش بیشتر بدھی‌های دولت شود.

- ایجاد فضای باثبات اقتصادی: ناظمینانی، بی‌ثباتی اقتصادی، بالا بودن ریسک فعالیت‌های مولد و بازدهی بالا و ریسک پایین فعالیت‌های غیرمولد موجب عدم رغبت فعالان اقتصادی به سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی و هدایت نقدینگی به سمت بازارهای رقیب تولید شده است. این موضوع علاوه بر تضعیف بخش تولید، از دلایل افزایش شدید قیمت‌ها در سال‌های اخیر بوده است. از این‌رو، پیشنهاد می‌شود به منظور هدایت نقدینگی به سمت بخش تولید، دولت از مشوق‌هایی مانند تسهیلات با



<https://www.amar.org.ir/>

- بانک اطلاعات سری های زمانی.
- ترازنامه انرژی برای سال های مختلف.
- گزارش توزیع درآمد در ایران ۱۳۸۰-۱۳۹۸، مرکز آمار ایران، تیر ۱۳۹۹.
- نابرابری درآمد و سنجه های آن، گزارش های کارشناسی مرکز پژوهش های مجلس، مسلسل ۸۹۱۳، اسفند ۱۳۸۶.
- نتایج طرح آمارگیری نیروی کار برای سال های مختلف، مرکز آمار ایران.

فقر اعمال سیاست هایی برای ایجاد اشتغال و افزایش درآمد اقشار کم درآمد است. ایجاد فرصت های شغلی پایدار برای اقشار کم درآمد بیش از کمک های مالی و معیشتی بر افزایش سطح رفاه آنها تأثیرگذار است. در این خصوص حمایت مالی از کسب و کارها و صنایع کوچک - به عنوان بخش هایی که افراد کم درآمد و فاقد مهارت بیشتر در آنها فعالیت دارند - می تواند باعث ایجاد فرصت های شغلی بیشتری برای گروه های کم درآمد جامعه شود. همچنین در کنار آموزش رسمی، دنبال کردن سیاست هایی مانند افزایش مهارت آموزی، می تواند شناسی یافتن شغل و افزایش درآمد را در بین فقرا افزایش دهد.

- استفاده از ظرفیت های بازار سرمایه به منظور کنترل نقدینگی و رونق تولید: در سال های اخیر، نقدینگی به سمت بازارهای طلا، ارز، سکه و مسکن سرازیر و باعث جهش قیمت ها در این بازارها شده و از این طریق آثاری سوء بر اقتصاد به جای گذاشته است. تعمیق بازار سهام و ترویج فرهنگ سرمایه گذاری علاوه بر آنکه می تواند از طریق جلوگیری از هدایت نقدینگی به بخش غیر مولده، در کنترل تورم مؤثر باشد، می تواند از طریق تسهیل فرآیند تأمین مالی، رونق تولید را نیز به همراه داشته باشد.

## منابع

- وبگاه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.  
<https://www.cbi.ir/>

- وبگاه مرکز آمار ایران.

